



سنت ترجمه

در عصر ایلخانان و تیموریان

مریم سعیدی

دکتر پروانه معاذالهی



مجموعه مطالعات ترجمه

سنت ترجمه
در عصر ایلخانان و تیموریان

مریم سعیدی
دکتر پروانه معاذالهی

دبیر مجموعه
دکتر فرزانه فرحزاد



سنت ترجمه در عصر ایلخانان و تیموریان

مریم سعیدی *

دکتر پروانه معاذالهی *

دبیر مجموعه: دکتر فرزانه فرحزاد

چاپ اول: ۱۳۹۶

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر

* عضو هیئت علمی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

استفاده از این اثر، به هر شکلی،

بدون اجازه ممنوع است.

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخلر (ششم)، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱ ۳۳ ۹۷ ۸۸

دورنگار: ۹۶ ۸۹ ۹۶ ۸۸

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

معرفی مجموعه.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
فصل اول: سنت ترجمه در دوره‌ی ایلخانان.....	۳۳
۱-۱ حمله‌ی مغول و تأسیس سلسله‌ی ایلخانان.....	۳۳
۲-۱ وضعیت زبان، ادبیات و فرهنگ در ایران عصر ایلخانان.....	۳۹
۳-۱ نهضت فارسی‌نویسی در عصر ایلخانان.....	۵۲
۴-۱ از نهضت فارسی‌نویسی تا نهضت ترجمه.....	۶۱
۱-۴-۱ وضعیت نهضت ترجمه در دوره‌ی حکومت هلاکوخان.....	۶۳
۲-۴-۱ وضعیت نهضت ترجمه در دوره‌ی حکومت آباقاخان.....	۱۰۰
۳-۴-۱ وضعیت نهضت ترجمه در دوره‌ی حکومت تکودار، ارغون‌خان، گیخاتوخان و بایدوخان.....	۱۰۶
۴-۴-۱ وضعیت نهضت ترجمه در دوره‌ی حکومت غازان‌خان.....	۱۱۱

۱-۴-۵ وضعیت نهضت ترجمه در دوره‌ی حکومت سلطان محمد خدابنده	
اولجایتو	۱۳۴
۱-۴-۶ وضعیت نهضت ترجمه در دوره‌ی حکومت ابوسعید بهادرخان ...	۱۴۴
سخن پایانی	۱۴۶
فصل دوم: سنت ترجمه در دوره‌ی فترت	۱۴۹
۱-۲ دوره فترت میان سلسله‌ی ایلخانان و تیموریان	۱۴۹
۲-۲ وضعیت ترجمه در دوره‌ی آل مظفر	۱۵۳
۳-۲ وضعیت ترجمه در دوره‌ی آل جلایر یا ایلکانیان	۱۵۵
۴-۲ وضعیت ترجمه در دوره‌ی حکومت خاندان اینجو	۱۶۷
سخن پایانی	۱۶۹
فصل سوم: سنت ترجمه در دوره‌ی تیموریان	۱۷۱
۱-۳ حمله‌ی تیمور و تأسیس سلسله‌ی تیموریان	۱۷۱
۲-۳ اوضاع زبان و ادبیات فارسی در دوره‌ی تیموریان	۱۷۵
۳-۳ وضعیت ترجمه در دوره‌ی حکومت تیمور	۱۸۱
۴-۳ وضعیت ترجمه در دوره‌ی حکومت شاه‌شاهرخ شاه	۱۸۷
۵-۳ وضعیت ترجمه در دوره‌ی حکومت الغ بیگ	۱۹۶
۶-۳ وضعیت ترجمه در دوره‌ی سلطان حسین بایقرا	۲۰۳
۷-۳ از نهضت ترکی نویسی تا نهضت ترجمه به ترکی	۲۱۷
سخن پایانی	۲۳۱
منابع فارسی	۲۳۵
منابع انگلیسی	۲۴۷

مؤلفان این اثر بدین وسیله مراتب سپاس‌گزاری خود را نسبت به همراهی سرکار خانم دکتر فرزانه فرحزاد که همواره مایه‌ی دلگرمی بوده و هم‌چنین دقت نظر سرکار خانم دکتر سکینه سعیدی که با پشتکار فراوان زحمت ویرایش متن و بررسی صحت مطالب تاریخی آن را بر عهده گرفتند، ابراز می‌دارند.

م. سعیدی

پ. معاذالهی

معرفی مجموعه

کار ترجمه سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، اما مطالعات ترجمه رشته‌ی دانشگاهی نسبتاً نوپایی است که به بررسی متن ترجمه، فرایند ترجمه و نقش ترجمه در جوامع و در دوران تاریخی مختلف می‌پردازد. این رشته با رشته‌های دیگری چون زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی، تاریخ‌نگاری و مطالعات فرهنگی تعامل دارد. یعنی هم ابزارهایی برای تحقیق در این رشته‌ها فراهم می‌کند و هم خود از یافته‌ها و ابزارهای پژوهشی آن‌ها استفاده می‌کند و راه را برای تحقیقات میان رشته‌ای هموار می‌کند.

تأسیس و گسترش رشته‌ی مطالعات ترجمه در مقاطع مختلف دانشگاهی انگیزه‌ای فراهم آورد برای معرفی مطالب اصلی این رشته به پژوهشگران، مترجمان، مدرسان ترجمه، ترجمه‌آموزان و همه‌ی کسانی که با جنبه‌های نظری و عملی ترجمه سروکار دارند و به آن‌ها می‌پردازند. کتاب حاضر جزئی از مجموعه بزرگ آشنایی با مطالعات ترجمه است که به کمک متخصصان، دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان مطالعات ترجمه در ایران و به همت نشر قطره به این منظور تهیه شده است.

دبیر مجموعه - فرزانه فرحزاد
دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

«در جست‌وجوی آن‌چه که تاریخ در مورد ترجمه می‌گوید، نباشیم بلکه در پی آن‌چه که ترجمه درباره‌ی تاریخ نقل می‌کند، باشیم.»^۱

ترجمه از فعالیت‌های دیرپای بشر به شمار می‌رود، اما مطالعه‌ی آن به شکلی نظام‌مند قدمت چندانی ندارد. در میان تلاش‌های صورت گرفته برای سامان بخشیدن و نظام‌مند کردن مطالعات و فعالیت‌های مربوط به حوزه‌ی ترجمه می‌توان به «نقشه‌ی» جیمز هولمز^۲ اشاره کرد که نخستین بار در سال ۱۹۷۲ میلادی در بخش ترجمه‌ی سمینار بین‌المللی زبان‌شناسی - کاربردی در کپنهاگ، ارائه شد. هولمز در این سمینار، برای اولین بار، عبارت «مطالعات ترجمه»^۳ را برای هر نوع تحقیق مربوط به پدیده و مسائل ترجمه عنوان کرد و

1. Rundle, Christopher. 'Translation as an Approach to History', *Translation Studies*: 5(2) (2012): p. 239.

2. Holmes's 'map' of translation studies

3. Translation Studies

هرگونه پژوهش مربوط به ترجمه را به دو حوزه کلی «مطالعات ترجمه‌ی محض» و «مطالعات ترجمه‌ی کاربردی» تقسیم کرد که هریک به نوبه‌ی خود، زیرشاخه‌های فرعی بسیاری از جمله: آموزش ترجمه، نقد ترجمه، بررسی روند و نقش ترجمه و مواردی مانند این را در برمی‌گیرند.^۱ اگرچه به اعتقاد هولمز، در هریک از دو شاخه‌ی اصلی و زیرشاخه‌های فرعی مطالعات ترجمه می‌توان موضوع تاریخ ترجمه را اضافه کرد و هرگونه بررسی تاریخی ترجمه را در قالب این نقشه به شکلی جامع و نظام‌مند پیش برد، اما به اعتقاد بسیاری، در رشته‌ی مطالعات ترجمه مسئله‌ی تاریخ ترجمه با تأخیر بسیار مورد تحقیق و تعمق قرار گرفته است و دلیل این مطلب را می‌توان مبانی نظری اندکی دانست که به بحث درباره‌ی چگونگی تحقیق در تاریخ ترجمه می‌پردازند.^۲

در خصوص پدیده‌ی ترجمه عموماً بین تاریخ و تاریخ‌نگاری ترجمه تمایزی ایجاد شده است؛ به این صورت که، «تاریخ ترجمه» را ارانه‌ی مجموعه‌ای از اطلاعات تاریخی درباره‌ی ترجمه، و «تاریخ‌نگاری ترجمه» را استدلال درباره‌ی اطلاعات تاریخی موجود از طریق انتخاب، دسته‌بندی و تحلیل این اطلاعات بر پایه مدلی خاص دانسته‌اند.^۳ اثر حاضر بر مبنای این تعریف نوعی تاریخ‌نگاری از پدیده‌ی ترجمه در ایران سده‌های هفتم، هشتم و نهم هجری قمری است. در این اثر کوشیده شده است تا با استفاده از مفاهیم

1. See Holmes, James. S. 'The Name and Nature of Translation Studies', (1972) in L. Venuti, (ed.), *The Translation Studies Reader*, London and New York: Routledge, 2000, pp. 172-185.

2. D'hulst, Lieven. 'Why and How to Write Translation Histories', in J. Milton, (ed.), *Emerging Views on Translation History in Brazil*, Sao Paulo: Universidade de Sao Paulo, 2001: p. 23.

3. Lambert, Jose. 'History, Historiography and the Discipline: A Programme'. In Y. Gambier & J. Tammola (eds.). *Turku: University of Turku*. 1993, pp. 3-25.

اصلی در «نظریه‌ی عمل»^۱ پییر بوردیو^۲ یعنی «میدان»^۳، «سرمایه»^۴ و «عادت‌واره»^۵، زوایای متعدد پدیده‌ی ترجمه در این مقطع تاریخی که دربرگیرنده‌ی دو سلسله‌ی ایلخانان و تیموریان است، مورد پژوهش قرار گیرد. با توجه به کمبودهایی که پژوهشگران ترجمه در زمینه‌ی روش‌شناسی تاریخی‌نگاری ترجمه مطرح کرده‌اند^۶، این مفاهیم به نظر کارآمد می‌رسند؛ زیرا به واسطه‌ی آن‌ها می‌توان از روش‌های محدودی نظیر «دیرینه‌شناسی ترجمه»^۷ و «نقد تاریخی»^۸ گذر کرد و به «تفسیر»^۹ که از نظر پیم، روشی جامع‌تر در تاریخی‌نگاری ترجمه است، دست یافت.^{۱۰} به عبارت دیگر، مفاهیم میدان، سرمایه و عادت‌واره به تاریخی‌نگار اجازه می‌دهند تا از دیرینه‌شناسی ترجمه یعنی پرداختن به مسائلی نظیر این که چه کسی، چه متونی را چگونه و در چه زمان و مکانی برای چه کسی و با چه تبعاتی ترجمه کرده و هم‌چنین نقد

1. Theory of Practice
2. Pierre Bourdieu
3. Field
4. Capital
5. Habitus

۶. برای اطلاعات بیش‌تر نک:

D'hulst, 'Why and How to Write Translation Histories'.

Pym, Anthony. 'Shortcomings in the Historiography of Translation'. *Babel*, 38:4 (1992) pp. 221-235.

Rundle, 'Translation as an Approach to History'.

Schäffner, Christina, *Translation and Norms*. Clevedon: Multilingual Matters LTD, 1999: p. 23.

7. Translation archaeology

8. Historical criticism

9. Explanation

10. Pym, Anthony, *Methods in Translation History*. Manchester: St. Jerome Publications, 1998: pp.5-8.

تاریخی ترجمه که به نقش این پدیده در ممانعت یا مساعدت به پیشرفت‌های فرهنگی می‌پردازد، پا فراتر نهد و به چرایی ترجمه و روابط علت و معلولی دست یابد که پایه و اساس واقعیات تاریخی از جمله ترجمه بوده و با در نظر گرفتن مناسبات قدرت کشف می‌شوند.^۱ نیل به این هدف نیز مستلزم «بخشیدن بعد انسانی»^۲ به تاریخ ترجمه است، بدین معنا که تاریخ‌نگار به جای تمرکز بر متون اصلی و ترجمه شده باید در مورد مترجمان پژوهش کند. مفاهیم میدان، عادت‌واره و سرمایه از آن جهت در این راستا سودمند به نظر می‌رسند که علاوه بر مترجم، طیفی از «عاملان ترجمه»^۳ یعنی سیاست‌گذاران، ناشران، حامیان، سفارش‌دهندگان، منتقدان و خوانندگان ترجمه را نیز مبنای بررسی قرار می‌دهند و بدین طریق عوامل متعددی را که بر جنبه‌های متفاوت ترجمه تأثیرگذارند، مشخص می‌کنند. از جمله مهم‌ترین این عوامل را می‌توان مناسبات قدرت، شرایط فرهنگی - اجتماعی و خصوصیات فردی مترجمان دانست که ظاهراً با در نظر گرفتن این مفاهیم بهتر قابل تشخیص هستند.

نظریه‌ی بوردیو در اصل برای فرا رفتن از دو سنت «عینیت‌گرایی»^۴ و «ذهنیت‌گرایی»^۵ در عرصه جامعه‌شناسی ارائه شد. این دو سنت برای تبیین کنش اجتماعی، دورویکرد کاملاً متضاد را در پیش گرفته بودند؛ بدین صورت که طبق جامعه‌شناسی عینیت‌گرا، برای تبیین کنش بایستی به ساختارهای پنهانی روی آورد که بر کنش فرد تأثیر می‌گذارند، بی‌آن‌که او در آن‌ها دخل و

1. Pym, Anthony, *Methods in Translation History*. pp. 5-8.

2. Pym, Anthony. 'Humanizing Translation History'. *Journal of Language and Communication Studies*. 42 (2009), p. 3.

3. Agents of translation

4. Objectivism

5. Subjectivism

تصرف کند و یا در دسترس وی باشد. در مقابل، در جامعه‌شناسی ذهن‌گرا برای توضیح کنش عاملان اجتماعی بایستی بر وجه معنی ساز انسان تأکید کرد و نه بر هیچ عامل خارجی. بوردیو برای فراروی از این دوگانگی^۱ رابطه را اساس نظریه خویش قرار داد و سه مفهوم میدان، عادت‌واره و سرمایه را برای تبیین کنش اجتماعی به کاربرد.^۲ به اعتقاد وی، برای درک روابط متقابل بین افراد و شرح وقایع یا پدیده‌های اجتماعی، بایستی «میدان یا فضای اجتماعی»^۳ که بستر آن روابط، وقایع یا پدیده‌ها بوده را بررسی کرد و به‌صرف آن‌چه که رخ داده است، اکتفا نکرد. میدان که در نظریه‌ی بوردیو اهمیت ویژه‌ای دارد، حوزه‌ای از فضای اجتماعی است که عاملان متفاوت اعم از افراد، گروه‌ها و نهادها در آن جای گرفته و بنا بر نوع و میزان سرمایه‌های خود جایگاهی را در آن تصاحب کرده‌اند.^۴ در نتیجه، تکوین میدان‌های اجتماعی متفاوت با تمایز سرمایه‌های متفاوتی همراه است که عبارتند از سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین. سرمایه‌ی اقتصادی همان دارایی‌های مادی و مالی افراد را تشکیل می‌دهد، درحالی‌که سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین به سرمایه‌های غیرمالی اشخاص اشاره دارند. بدین صورت که، سرمایه‌ی فرهنگی به کالاهای فرهنگی و خصوصیات فکری و تربیتی فرد از جمله تحصیلات و مهارت‌های فرهنگی وی برمی‌گردد، سرمایه‌های اجتماعی به عضویت فرد در گروه‌های اجتماعی، خانوادگی و خویشاوندی اشاره دارد و سرمایه‌ی نمادین به معنای اعتبار، آوازه و شهرت فرد

1. Dualism

۲. نک پرسش، شهرام؛ روایت نابودی ناب، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲، صص ۲۷ و ۴۹.

3. Field or social space

4. Thomson, Patricia. 'Field', in *Pierre Bourdieu Key Concepts*, M. Grenfell, (ed.) North Yorkshire: Acumen, 2010, p. 57.

است.^۱ به‌عنوان مثال، در میدان اقتصادی تنازع عمدتاً برای کسب سرمایه‌ی اقتصادی بالاتر صورت می‌گیرد، درحالی‌که در میدان هنر به‌ویژه هنر آوانگارد، تنازع غالباً برای کسب سرمایه‌ی نمادین است و نه سرمایه‌ی اقتصادی. از آن‌جا که افراد برای کسب موقعیت بهتر در میدان پیوسته در حال رقابت برای کسب یا حفظ این سرمایه‌ها هستند، میدان به محل منازعه بر سر سرمایه بالاتر و موقعیت بهتر تبدیل شده است. از دیگر ویژگی‌های میدان می‌توان به هم‌خوانی با نوع خاصی از عادت‌واره و هم‌چنین قواعد خاصی که عملکرد آن را تعریف می‌کند، اشاره کرد.^۲ اما عمل صرفاً برخاسته از میدان و شرایط حاکم بر آن نیست، بلکه برآیندی است از رابطه‌ی بین عادت‌واره‌ی فرد و موقعیت او در میدان. در نتیجه، مطالعه‌ی عادت‌واره در تبیین کنش عواملان اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. به گفته‌ی بوردیو، مسائلی نظیر این‌که چگونه می‌توان رفتار افراد را تعریف کرد بی‌آن‌که آن را فقط محصول رعایت قوانین دانست، چگونه می‌توان عاملیت فردی^۳ و ساختار اجتماعی را باهم آشتی داد و چگونه خود اجتماعی «بیرونی» و خود فردی «درونی» به شکل‌گیری یک‌دیگر کمک می‌کنند، همواره ذهن وی را به خود مشغول می‌کرد تا این‌که مفهوم عادت‌واره را ارائه کرد.^۴ عادت‌واره از نظر بوردیو ویژگی همه‌ی عواملان اجتماعی از جمله افراد، نهادها و گروه‌ها است و ساختاری سازمان‌دهنده و سازمان‌یافته دارد؛ سازمان یافته است زیرا که از شرایط حال حاضر یا گذشته‌ی فرد نشئت گرفته است، شرایطی مثل تربیت خانوادگی و تجربیات

۱. پرستش، ۸۵.

2. Bourdieu, Pierre, *Sociology in Question*, R. Nice (trans.), London: SAGE Publications, 1993, p 72.

3. Individual agency

4. Bourdieu, Pierre, *In Other Words: towards a Reflexive Sociology*, M. Adamson (trans.), Stanford: Stanford University Press, 1990, p. 55.

آموزشی؛ سازمان دهنده است چون حال و آینده فرد را می‌سازد.^۱ این سه مفهوم اساس نظریه‌ی بوردیو را شکل دادند تا بتوانند با ماهیتی رابطه‌گرا از ذهن‌گرایی و عین‌گرایی صرف قدم فراتر نهند. بوردیو برای به کار بردن این مفاهیم سه مرحله را پیشنهاد می‌کند که عبارت‌اند از: ۱) تعیین موقعیت میدان موردنظر نسبت به میدان قدرت، ۲) تعیین روابط حاکم بین موقعیت‌هایی که توسط نهادها یا عاملان اجتماعی در میدان موردنظر تصاحب شده‌اند و ۳) تحلیل عادت‌واره‌ی عاملان اجتماعی.^۲ جامعه‌شناسان ترجمه با توجه به اصول زیربنایی مفهوم میدان در نظریه‌ی بوردیو، تأمل شدن میدانی به نام میدان ترجمه را مقدور نمی‌دانند. زیرا ترجمه از ساختار سلسله مراتبی، حوزه‌ی علمی مستقل و تنازع برخوردار نیست.^۳ در نتیجه، در تاریخ‌نگاری سنت ترجمه در عصر ایلخانان و تیموریان نیز نمی‌توان میدانی مستقل به عنوان میدان ترجمه‌ی ایلخانی و تیموری قائل شد. اما پدیده‌ی ترجمه در شکل دهی به جریان‌های علمی فرهنگی این دو دوران نقش بسزایی داشته است و از طرفی بنا بر مقتضیات زمانه بسیار تحت تسلط و تأثیر میدان‌هایی نظیر میدان تولیدات فرهنگی و تولیدات علمی بوده است. به‌عنوان نمونه، ترجمه در دوره‌ی ایلخانان در میدان تولیدات علمی برای انتقال مفاهیم علمی به‌طور گسترده به کار برده شد و در میدان تولیدات فرهنگی در دوره‌ی تیموریان در انتقال

1. Maton, Karl, 'Habitus', In *Pierre Bourdieu Key Concepts*, M. Grenfell, (ed.) North Yorkshire: Acumen, 2010, pp.50-51.

2. Bourdieu, Pierre & Wacquant, Loic J.D. *An Invitation to Reflexive Sociology*, L. Wacquant (trans.), Cambridge: Polity, 1992, pp. 104-105.

3. See Wolf, Michaela. 'The Location of Translation field: Negtiating Borderines between Pierre Bourdieu and Homi Bhabha', in & A. Fukari: (eds.), *Costructing a Sociology of Translation*. Anesterdam: John Benjamins Publishing Company, 2007, pp. 109-110.

سنت‌های ادبی فارسی به زبان ترکی نقش اساسی ایفاء کرد. بر همین مبنای، به نظر می‌رسد که می‌توان آن را در میدان‌های تولیدات فرهنگی و علمی گنجانند، هرچند این میدان‌ها شامل طیف گسترده‌ای از تولیدات می‌شوند که در این جا صرفاً آثار مکتوب فرهنگی و علمی مدنظر است. میدان‌های تولیدات فرهنگی و علمی در دوره‌ی ایلخانان بسیار وابسته به میدان قدرت بوده‌اند، به گونه‌ای که با فتح آن‌جا توسط هلاکوخان و فروپاشی میدان قدرت در آن‌جا، این میدان‌ها نیز دچار تحول شده و با استقرار حکومت ایلخانان در ایران صبغی دیگری یافتند. بر همین اساس، این میدان‌ها در هر دو دوره‌ی ایلخانی و تیموری نسبت به میدان قدرت میدان‌هایی وابسته و تحت تسلط محسوب می‌شوند؛ قاعدتاً، ترجمه نیز به‌عنوان بخشی از این میدان‌ها از این وابستگی میرا نبوده است.

در فصل‌های پیش رو تلاش شده است تا در هر دوره ابتدا نحوه‌ی پیدایش میدان قدرت مورد بحث قرار گیرد و سپس شرایط اجتماعی فرهنگی منتج از این میدان قدرت بررسی شود و به ترجمه نیز به‌عنوان بخشی از میدان تولیدات فرهنگی و علمی که تابع میدان قدرت هستند، پرداخته شود. از این طریق، بنا بر شرایط حاکم بر هر دوره، مطالبی مانند مناسبات قدرت دخیل در ترجمه، نحوه‌ی شکل‌گیری هنجارهای ترجمه و سهم عناصر قدرت در این روند، نقش میدان قدرت در نشر و توزیع ترجمه‌ها، ایدئولوژی حاکم بر آنان و نقش ترجمه در سیر تحول میدان قدرت مورد بحث قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، در رابطه با دوره‌ی سلطنت سلطان محمد خداپسند (۷۰۳-۷۱۶ هـ. ق. / ۱۳۰۳-۱۳۱۶ م.) به‌عنوان یکی از سلاطین ایلخانی، ابتدا میدان قدرت و شرایط اجتماعی فرهنگی حاصل از آن بررسی شده است، سپس ترجمه به‌عنوان بخشی وابسته به میدان قدرت مورد بحث قرار گرفته است. بر همین مبنای، مشخص شده است که در این مقطع تاریخی ترجمه برای هدفی ایدئولوژیک یعنی اشاعه‌ی مذهب تشیع به کار رفته و میدان قدرت در تعیین هنجارهای

ترجمه و هم‌چنین نشر و توزیع آثار ترجمه شده در زمینه‌ی آثار فقهی شیعه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. به مدد همین ترجمه‌ها، تشیع از جانب میدان قدرت رسمیت یافت و در کشور اشاعه پیدا کرد.

پس از تحلیل موقعیت میدان تولیدات فرهنگی و علمی نسبت به میدان قدرت نوبت می‌رسد به مرحله‌ی دوم از سه مرحله‌ی پیشنهادی بوردیو، یعنی تعیین روابط حاکم بین موقعیت‌هایی که توسط نهادها یا عواملان اجتماعی در میدان موردنظر تصاحب شده‌اند. این مرحله را نیز در رابطه با سنت ترجمه در عصر سلطان محمد خدابنده چنین می‌توان شرح داد: در این دوره بنا بر دلایلی که پیش از این ذکر شد، آن دسته از تولیدکنندگان فرهنگی که به تألیف یا ترجمه‌ی آثار در زمینه‌ی فقه شیعه می‌پرداختند به واسطه‌ی حمایت دربار از سرمایه‌ی اقتصادی، نمادین و اجتماعی بالاتری نسبت به تولیدکنندگان آثار علمی و آثار فرهنگی در زمینه‌ی مذهب تسنن برخوردار شدند و به همین واسطه در منازعه با تولیدکنندگان دیگر از موقعیت بالاتری در میدان تولیدات فرهنگی و هم‌چنین میدان قدرت بهره‌مند شدند. از نتایج مستقیم این موقعیت می‌توان به ادامه‌ی افول نهضت ترجمه به زبان فارسی، رونق ترجمه‌های درون‌زبانی از آثار عربی، برپایی مدارس سیار برای آموزش آموزه‌های تشیع، کاهش ترجمه‌ی آثار علمی و به کارگیری ترجمه برای تهیه کتاب‌های درسی مربوط به مبانی تشیع اشاره کرد. در این دوره، علامه حلی (د. ۷۲۶ هـ. ق. / ۱۳۲۶ م.) مهم‌ترین عالم شیعه‌ای است که در منازعه با عالمان سنی از موقعیت بالایی در میدان تولیدات فرهنگی و حتی میدان قدرت برخوردار شد و توانست علاوه بر تأثیر بر سلطان محمد خدابنده و تألیف و ترجمه‌ی آثار بسیار در زمینه‌ی فقه شیعی به یکی از سفارش‌دهندگان این نوع ترجمه‌ها و هم‌چنین متخصصی که غالب آثار شیعی با اجازه‌ی وی عرضه می‌شد، بدل شود.

مرحله‌ی سوم از روش بوردیو، تحلیل عادت‌واره‌ی عواملان اجتماعی در میدان موردنظر است. در رابطه با دوره‌ی سلطنت سلطان محمد خدابنده، این

مرحله را چنین می‌توان شرح داد: بدیهی است که عاملان اجتماعی فعال در دوره‌ی این سلطان ایلخانی بسیار پر شمار هستند، اما در این جا به لحاظ موضوع مورد بحث صرفاً عادت‌واره‌ی آن دسته از عاملان که در میدان تولیدات فرهنگی و علمی تأثیرگذار بوده‌اند، معرفی می‌شود. مهم‌ترین این عاملان عبارت‌اند از: سلطان محمد خدابنده، علمای اهل تسنن، دسته‌ای از علمای اهل تشیع، به‌ویژه علامه حلی و پسرش فخرالمحققین (د. ۷۷۱ هـ. ق. / ۱۳۶۹ م.)، دسته‌ای از شاگردان علامه حلی و دانشمندانی نظیر قطب‌الدین محمود شیرازی (د. ۷۱۰ هـ. ق. / ۱۳۱۰ م.). مهم‌ترین این عاملان سلطان محمد خدابنده است که اهمیت وی صرفاً به لحاظ موقعیت ممتاز او در میدان قدرت نیست، بلکه به واسطه‌ی عادت‌واره و کنش‌های وی است که نه تنها در میدان تولیدات فرهنگی و علمی بازتاب ویژه‌ای یافت، بلکه در ساختار میدان قدرت نیز تغییراتی اعمال کرد. این سلطان ایلخانی متأثر از عادت‌واره‌ی همسرش، به تشیع گروید و به وضوح از این مذهب در دربار خویش حمایت می‌کرد. همین مسئله منجر به بالا گرفتن منازعات بین عناصر اهل تسنن و تشیع در میدان قدرت گشت تا به حدی که سلطان را در انتخاب این مذهب دچار تردید کرد. این تردید راه را برای حضور بیش از پیش علمای دینی به جای دانشمندان علوم طبیعی و ریاضیات در میدان قدرت گشود؛ مهم‌ترین این علما علامه حلی و پسرش فخرالمحققین بودند که به دعوت سلطان محمد خدابنده به حلقه‌ی این علما پیوستند و در پی مناظره‌های پی در پی بر علمای اهل تسنن برتری یافتند. این مسئله به حضور بی‌سابقه‌ی علمای شیعه به‌عنوان ملازمان سلطان در اردو و دربار، کم شدن نفوذ عاملان اهل تسنن در میدان قدرت، قدرت گرفتن عاملان شیعه و قاطعیت سلطان در انتخاب مذهب تشیع گشت، تا حدی که این مذهب از جانب دربار مذهب رسمی برای تمامی ایرانیان اعم از ایرانی‌تبار و مغول تعیین شد و حمایت میدان قدرت از تولیدات فرهنگی و علمی که در تمامی دوره‌ی ایلخانی

ناپیوسته بود به حمایت پیوسته‌ای تبدیل شد که بیش از ساختار تولیدات فرهنگی به محتوای ایدئولوژیک آن‌ها بها می‌داد و بر عادت‌واره‌ی تولیدکنندگان فرهنگی و علمی تأثیر بسزایی داشت. به طوری که غالب آثار این دوره، تألیف‌ها یا ترجمه‌هایی در زمینه‌ی فقه شیعی و برای اثبات حقانیت این مذهب بودند تا مسائل علمی در زمینه‌ی پزشکی، ریاضیات، نجوم و... به واسطه‌ی همین آثار و متأثر از عادت‌واره‌ی علامه حلی به عنوان متخصص درون نظام ادبی در این دوره راه برای نفوذ مجدد زبان عربی و افول بیش از پیش نهضت فارسی‌نویسی و ترجمه به زبان فارسی گشوده شد. این تغییرات را در عادت‌واره‌ی تولیدکنندگان فرهنگی نظیر علامه حلی و قطب‌الدین محمود شیرازی می‌توان دید. علامه حلی که با کسب سرمایه‌ی اجتماعی و نمادین در میدان قدرت ایلخانی صاحب موقعیت برجسته‌ای شده بود، بسیاری از تألیف‌ها و ترجمه‌های خویش را به سفارش سلطان محمد خدابنده تهیه و به این سلطان تقدیم کرد. این رویه که در آثار وی پیش از عزیمت به ایران بی‌سابقه بود. بر اثر موقعیت این شخص در میدان قدرت و هم‌چنین عادت‌واره‌ی این عالم شیعه، موجی از تألیف‌ها درباره‌ی مبانی تشیع در نظام ادبی این دوره شکل گرفت که بر خلاف آثار مشابه در دوره‌های پیشین مقید به بیان اعتقادات و استدلال‌های شیعی خود در قالب استعارات و عبارات کنایی نبودند، بلکه با آزادی و صراحت بیان کامل به بحث در این زمینه می‌پرداختند. علاوه بر این، نسخه‌برداری و ترجمه‌های درون زبانی از آثار فقهی شیعه به زبان عربی نیز افزایش چشمگیر یافت. نکته حائز اهمیت درباره‌ی این ترجمه‌های درون زبانی نقش علامه حلی به عنوان متخصصی است که هنجارهای عملیاتی آن‌ها را تعیین می‌کرد. علاوه بر این تغییرات، می‌توان به دگرگونی عادت‌واره‌ی قطب‌الدین شیرازی نیز اشاره کرد. وی که در میدان قدرت هلاکوخان متأثر از نهضت فارسی‌نویسی دست به تألیف و ترجمه‌ی آثار به زبان فارسی زده بود، در این دوره نه تنها صرفاً به مسائل فقهی و مذهبی به

جای مطالب پزشکی، نجوم و ریاضیات می‌پرداخت بلکه آثاری را در زبان عربی تألیف و یا به این زبان ترجمه کرد.

با توجه به این طرح اجمالی از چگونگی به کار بستن نظریه‌ی بوردیو در رابطه با سنت ترجمه در عصر ایلخانی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این نظریه قابلیت پاسخگویی به مسائلی متفاوت در رابطه با ترجمه را در یک دوره‌ی تاریخی دارد. از جمله مسائلی نظیر چگونگی شکل‌گیری هنجارهای ترجمه، رویکرد مترجمان در قبال تابعیت یا عدم تابعیت از این هنجارها، تأثیر ترجمه در فضای اجتماعی فرهنگی جامعه، تأثیر بستر اجتماعی فرهنگی بر پدیده‌ی ترجمه، عوامل تصمیم‌گیرنده در زمینه‌ی ترجمه یعنی حامیان، سفارش‌دهندگان و ناظران ترجمه، تغییر رویکرد مترجمان از یک دوره‌ی زمانی به دوره‌ی دیگر، نقش مناسبات قدرت در ترجمه، کارکرد ترجمه در تحقق یا عدم تحقق ایدئولوژی مدنظر، چرایی پدید آمدن ترجمه‌هایی خاص در یک دوره‌ی تاریخی خاص و چگونگی این ترجمه‌ها، انگیزه‌های حاکم بر تصمیمات عاملان ترجمه، علت تغییرات در نوع ترجمه‌ها و نقش آنان در نظام ادبی مقصد. بسیاری از این مسائل در الگوهای نظیر الگوی ارائه‌شده توسط مطالعات توصیفی ترجمه بی‌پاسخ می‌مانند.^۱ البته اشاره به مفاهیم اصلی بوردیو در پژوهش‌های مربوط به تاریخ یا تاریخ‌نگاری ترجمه بی‌سابقه نیست. به‌عنوان مثال، دی‌هیلست^۲ در شرح مؤلفه‌ی مترجم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌هایی که هر پژوهشگر تاریخ ترجمه بایستی به آن بپردازد، به مفهوم عادت‌واره اشاره می‌کند و این‌که سیموونی^۳ عادت‌واره را چگونه در پیوند با هنجارهای ترجمه به کار برده است را مسئله‌ای شایان توجه در شرح شخصیت مترجم معرفی

1. Schaffner, *Translation and Norms*.

2. D'hulst, *Why and How to Write Translation Histories*, p. 25.

3. Simeoni

می‌کند. علاوه بر وی، پژوهشگرانی مانند هرمانز^۱ و بوش^۲ نیز بر کارآمدی این مفاهیم در پیشبرد پژوهش در زمینه‌ی تاریخ ترجمه تأکید دارند.^۳ به نظر می‌رسد که بتوان این مفاهیم را در راستای رویکردهای تأویلی یا تفسیری^۴ دانست که به تازگی در روش‌شناسی تاریخ ترجمه مطرح شده‌اند و با گذر از صرف مطالعه و قیاس متون اصلی و ترجمه‌شده در یک بستر تاریخی، به تأثیر ترجمه در بستر اجتماعی فرهنگی جامعه در یک مقطع زمانی خاص می‌پردازند.^۵

همان‌گونه که در تاریخ‌نگاری هر پدیده گردآوری اطلاعات تاریخی پیش از تحلیل و تفسیر صورت می‌گیرد، در تألیف اثر حاضر نیز در وهله‌ی نخست برای یافتن آثار ترجمه‌شده در دوره‌ی ایلخانی و تیموری مجموعه‌ای از متون در زمینه‌ی تاریخ ادبیات فارسی مربوط به سده‌های موردنظر فراهم آمد. سپس، بر مبنای روش دیرینه‌شناسی ترجمه فهرستی از متونی که در این دوره ترجمه شده‌اند، تهیه شد. این فهرست علاوه بر آثاری که به تعبیر یاکوبسون^۶ ترجمه به معنای اخص یا ترجمه بین‌زبانی^۷ دسته‌بندی می‌شوند، تفسیرها، تلخیص‌ها و شرح‌هایی که به‌عنوان ترجمه درون‌زبانی^۸ طبقه‌بندی می‌شوند را نیز در

1. Hermans

2. Bush

۳. برای مطالعه بیش‌تر نک Schäffner, 1999.

4. Interpretive approaches

5. Bastin, George L. & Paul F. Bandia (eds.). *Charting the Future of Translation History*, Canada: University of Ottawa Press, 2005.

6. Jakobson, Roman. 'On Linguistic Aspects of Translation'. In *The Translation Studies Reader*. L. Venuti (ed.), London and New York: Routledge, 2000, p. 139.

7. Interlingual translation

8. Intra-lingual translation

برمی‌گیرد؛ زیرا، نه تنها روند ذهنی طی شده در هر دو تا حدی مشابه است، بلکه هر دو در تحولات اجتماعی دوره‌ی مدنظر تأثیرگذار بوده‌اند. در مرحله‌ی بعدی، شرایط اجتماعی فرهنگی هر دوره مورد مطالعه قرار گرفت و ارتباط ترجمه‌های فهرست شده با این شرایط در مقطع زمانی موردنظر بررسی شد و در نهایت برای تاریخ‌نگاری نهایی، ابتدا بستر اجتماعی فرهنگی هر عصر نگارش یافت سپس بر مبنای روشی که در بالا توضیح داده شد، اطلاعات تاریخی مورد تفسیر قرار گرفت. شایان ذکر است که در این اثر مراحل سه‌گانه‌ی متدولوژی بوردیو به صورت جداگانه مطرح نشده‌اند، بلکه در جریان ارائه اطلاعات و تفسیر آن‌ها مدنظر قرار گرفته‌اند. این رویکرد به اثر حاضر جنبه‌ی روایی و یا به تعبیر پیم جنبه‌ی «قصه‌پردازی»^۱ بخشیده است که صرفاً در رویکرد تفسیر نسبت به تاریخ‌نگاری ترجمه رخ می‌دهد و نه رویکردهایی مانند دیرینه‌شناسی ترجمه و نقد تاریخی.^۲ علاوه بر این، در این رویکرد تلاش شده است تا به تعبیر لامبرت^۳ جنبه‌های خرد و کلان ترجمه هم‌زمان مورد تحلیل قرار گیرند. در نتیجه، مباحث کلانی مانند جریان‌های فرهنگی اجتماعی متفاوت در هر دوره با جنبه‌های خردی نظیر نوع متون ترجمه شده، هم‌زمان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

۴ اثر حاضر بر بررسی سلسله‌های ایلخانان و تیموریان تمرکز یافته است؛ زیرا، این دو سلسله بر خلاف سلسله‌هایی نظیر عباسیان، صفویان و قاجار که عصر طلایی ترجمه نام گرفته، به‌ندرت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در واقع، این دو دوره‌ی تاریخی به تعبیر سانتویو «به منزله‌ی قطعات کوچک مفقودشده‌ای از

1. Storytelling

2. Pym, *Method in Translation History*, p. 7.

3. Lambert, 'History, Historiography and the Discipline: a Programme', p. 9.

موزائیک تاریخ ترجمه^۱ در ایران هستند که اثر حاضر در قالب سه فصل در پی شرح و توضیح آن است. فصل نخست با ترسیم شرایط اجتماعی ایران پس از استقرار سلسله‌ی ایلخانان به شرح ویژگی‌های میدان قدرت در دوره‌ی حکومت هلاکوخان، نقش عاملان ایرانی تبار این میدان در شکل‌گیری نهضت فارسی‌نویسی و نهضت ترجمه می‌پردازد و در بخش‌های بعدی وضعیت نهضت ترجمه را در دوره‌ی حکومت هر یک از سلاطین ایلخانی مورد بحث قرار می‌دهد. در این راستا، مرتباً تغییرات میدان قدرت با تحولات میدان تولیدات فرهنگی و علمی و هم‌چنین عادت‌واره‌ی این تولیدکنندگان پیوند داده می‌شود و از این طریق جنبه‌های متفاوت سنت ترجمه در این دوره روشن می‌گردد. مهم‌ترین مباحث مربوط به سنت ترجمه در عصر ایلخانی مربوط به دوره‌ی حکومت هلاکوخان، آباقخان، غازان‌خان، سلطان محمد خدابنده و ابوسعید بهادرخان هستند که به تفکیک بنا بر نظریه‌ی بوردیو مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

فصل دوم به سنت ترجمه پس از فروپاشی سلسله‌ی ایلخانی و روی کار آمدن حکومت‌های محلی می‌پردازد و در ساختاری مشابه فصل نخست تأثیر آشفستگی سیاسی اجتماعی را بر ترجمه و هم‌چنین تحول سنت ترجمه نشان می‌دهد. فصل پایانی ابتدا نحوه‌ی استقرار سلسله تیموری و تبعات آن را در فضای اجتماعی فرهنگی ایران بررسی می‌کند، سپس سنت ترجمه را در زمان حکومت چهار سلطان تیموری یعنی تیمور، شاهرخ شاه، الغ بیگ و سلطان حسین بایقرا مورد بحث قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مباحث این دوره، ظهور نهضت ترکی نویسی و نقش ترجمه در این نهضت است. در این سه

1. Santoyo, Julio-César. 'Blank Spaces in the History of Translation'. In *Charting the Future of Translation History*, G.L. Bastin, G.L., Bandia, & Paul. F Bandia (eds.) Canada: University of Ottawa Press, 2005, p. 13.

فصل همواره تلاش شده است تا سیر تحول سنت ترجمه به صورت مجزا در دوران حکومت هرکدام از سلاطین ایلخانی و تیموری بررسی گردد و به نظر می‌رسد که ماهیت رابطه‌گرای نظریه‌ی بوردیو در رهگیری این تحولات سودمند بوده است. زیرا، در این نظریه میدان قدرت چنان ترسیم شده است که علی‌رغم این که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین میدان تلقی می‌شود، با سایر میدان‌ها نیز در تعامل است و علاوه بر تأثیر گذاشتن بر آن میدان‌ها از آن‌ها تأثیر نیز می‌پذیرد.^۱ پس یکی دیگر از خصوصیات میدان، تغییر و تحول است. از طرفی، در این نظریه، عادت‌واره نیز علی‌رغم پایدار بودن غیرقابل تغییر ترسیم نشده است و بنا بر بستر اجتماعی فرهنگی حاکم بر فضای اجتماعی و هم‌چنین شرایط میدان مسلط بر آن دایم در حال تغییر و تحول است. پس برای درک کنش عاملان اجتماعی بایستی عادت‌واره‌های در حال تغییر آنان را نیز در میدان‌های در حال تحول در نظر گرفت.^۲ این روش در ساختار سه فصل پیش رو همواره اتخاذ شده است و به نظر می‌رسد که زمینه را برای استدلال و مقایسه مطالب هر بخش چنان فراهم آورده باشد که اولاً خواننده با روند کلی سنت ترجمه در این سلسله‌ها و سیر تحول آن و ثانیاً با تاریخ ترجمه عملی و تاریخ نظریه‌های ترجمه آشنا گردد. افزون بر این، از آن‌جا که مخاطب این اثر به خوانندگان آشنا با مباحث جاری در مطالعات ترجمه و مباحث تاریخی محدود نشده است، از منابع تاریخی معتبر برای شرح اطلاعات تاریخی مقتضی بهره برده و در برخی بخش‌ها که به اقتضای موضوع از مفاهیم تخصصی در مطالعات ترجمه استفاده شده، اطلاعاتی درباره‌ی این مفاهیم

1. Thomson, pp. 70-71.

2. Bourdieu, Pierre. *The Logic of Practice*, R. Nice (trans.). Cambridge: Polity, 1990, pp. 52-65.

نیز داده شده است. یکی از مفاهیم پرکاربرد در این رابطه مفهوم «حمایت»^۱ است که مرتباً به عنوان یکی از ساز و کارهای اعمال نفوذ میدان قدرت در تولیدات علمی فرهنگی مورد بحث قرار گرفته است. شایان ذکر است که اثر حاضر دربرگیرنده‌ی سنت ترجمه‌ی شفاهی در این دوره‌ها نیست و این حوزه هم‌چنان یکی از قطعات کوچک مفقود شده در تاریخ ترجمه‌ی ایران به شمار می‌آید. ۴

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که دقت نظر و بلندی طبع خوانندگان ما را بر آن داشت تا از بضاعت اندک نه‌راسیم و با امید به روشن کردن بخشی از سنت ترجمه در تاریخ کشور عزیزمان این اثر را عرضه نماییم؛ بدیهی است که این اثر نیز به مانند همه‌ی آثار دیگر محتاج نظرهای راه‌گشایی است که به بهبود کیفیت آن یاری رسانند.